



Journal of Islamic Education Research

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 9, No. 1, Serial 15, 2023

Narration and analysis of the lived experience of female students from the relationship with the opposite sex and providing a preventive solution for them from the point of view of the philosophy of education ¹

M. Yari dehnavi, Ph.D. Department of Education, University of Shahid Bahonar, Kerman, Kerman, Iran. myaridehnavi@uk.ac.ir ²

F. Ebrahimi shahabadi. Department of Education, University of Shahid Bahonar, Kerman, Kerman, Iran. f.ebrahimi.shahabadi@gmail.com

Abstract: One of the often hidden problems of the teenagers of our current generation is going to the dangerous field of morally reprehensible relationships. The purpose of this article is to seek to understand the causes, reasons, contexts and personal and social traumatic consequences of these types of relationships among female students, based on their lived experience; In this way, to provide a practical and educational solution to reduce this type of reprehensible relationships and their harmful moral consequences. Therefore, an attempt has been made to retrieve, narrate and analyze the experience of 10 female students in the first and second grade of high school through interviews using the biographical and narrative research method. In the text of the research, while specifying Some of the factors and contexts of the emergence of such relationships, a preventive solution for the non-fulfillment of these types of relationships, have been stated from the perspective of the philosophy of education in the field of sexual education. The results of the narration and analysis of the researched students' experience show that the weakness of sexual education and lack of education in this field of education are among the most important factors in the formation of these morally reprehensible relationships among students, in addition, the lack of insight in The field of how families and some school parents face this phenomenon increases the intensity of these relationships and it seems that adherence to the realization of education components in the field of sex education (explanation - presentation of standards - internal mobility) and critics) can be a suitable solution to prevent this type of communication in teenagers and in addition can provide the right educational plan to the guardians of education such as families, schoolmates and supervisory and cultural institutions and prevent them from taking action. Unmeasured educational actions in this field, such as expulsion from school, severe physical punishment, threats and quarantine, reprimand and blame, etc. are prohibited.

Keywords: Relationship with the opposite sex, students, sexual education.

¹. Received: 4 January 2020 Revised: 16 July 2023 Accepted: 20 September 2023 Published online: 23 September 2023

². Corresponding Author.

مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر فلسفه تربیت^۱

مراد یاری دهنوی، دانشیار بخش علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

myaridehnavi@uk.ac.ir

فاطمه ابراهیمی شاه‌آبادی، کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

f.ebrahimi.shahabadi@gmail.com

چکیده

یکی از معضلات اغلب پنهان نوجوانان نسل کنونی جامعه ما، رفتن به سوی میدان پرخطر روابط مذموم اخلاقی است. هدف این مقاله، جست و جو در فهم علت‌ها، دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای آسیب‌زای فردی و اجتماعی این نوع ارتباط‌ها در میان دانش‌آموزان دختر، براساس تجربه زیسته آن‌ها، می‌باشد؛ تا از این رهگذر، راهکاری عملی و تربیتی، برای کاستن این نوع روابط مذموم و پیامدهای آسیب‌زای اخلاقی آن‌ها ارایه نماید. از این رو، تلاش شده است تا با استفاده از روش پژوهش زیست‌نگاری و روایت، تجربه ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع اول و دوم دبیرستان از طریق مصاحبه، بازبینی، روایت و تحلیل شود. در متن پژوهش، ضمن مشخص نمودن برخی از عوامل و زمینه‌های پیدایش این گونه ارتباط‌ها، راهکاری پیشگیرانه برای عدم تحقق این نوع روابط، از منظر فلسفه تربیت در ساحت تربیت جنسی بیان شده است. نتایج روایت و تحلیل تجربه دانش‌آموزان مورد پژوهش نشان می‌دهد که ضعف تربیت جنسی و تربیت‌نیافتگی در این ساحت از تربیت، از مهمترین عوامل شکل‌گیری این ارتباط‌های مذموم اخلاقی در میان دانش‌آموزان می‌باشد، به علاوه، فقدان بیش در ساحت چگونگی مواجهه با این پدیده از سوی خانواده‌ها و برخی اولیای مدرسه، بر شدت این ارتباط‌ها می‌افزاید و به نظر می‌رسد پابندی به تحقق مؤلفه‌های تربیت در ساحت تربیت جنسی (تبیین - ارائه معیار - تحرک درونی و نقادی) بتواند راهکار مناسبی برای پیشگیری از این نوع ارتباط‌ها در نوجوانان بشود و به علاوه بتواند تدبیر تربیتی درستی در اختیار متولیان تربیت همچون

۱. تاریخ دریافت: ۱۴ دی ۱۳۹۸ تاریخ بازنگری: ۲۵ تیر ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ تاریخ انتشار: ۱ مهر ۱۴۰۲

خانواده‌ها، اصحاب مدرسه و نهادهای نظارتی و فرهنگی قرار دهد و آن‌ها را از اقدام‌های نسنجیده تربیتی در این زمینه چون اخراج از مدرسه، تنبیه شدید بدنی، تهدید و قرنطینه کردن، نکوهش و سرزنش و... باز دارد.

واژه‌های کلیدی: ارتباط با جنس مخالف، دانش‌آموزان، تربیت جنسی.

۱- مقدمه

انسان، موجودی تربیت‌پذیر و اجتماعی است (باقری، ۱۳۸۴) چنانچه در تمام دوره‌های عمر و زندگی خود، محتاج حضور در اجتماع و تعامل با سایر انسان‌هاست. یکی از دوره‌های زندگی انسان «دوره نوجوانی» است. اهمیت تربیت در دوره نوجوانی از این جهت است که با اعمال و رفتارهای خوب و بد به تدریج خشت‌های بنای شخصیت آدمی، گذاشته می‌شوند و نهال آن، رویدن و بالیدن، می‌آغازد. در این میانه، نمی‌توان از تأثیر ارزشی خوب و بد ارتباط با دیگران چشم‌پوشی کرد. اهمیت ارتباط با دیگران از این جهت است که انسان در ارتباط با دیگران، هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر و تأثرها گاه جنبه مثبت تربیتی دارد و گاه منفی. خداوند که به تمام مصالح بشر آگاه است، با در نظر گرفتن همین تأثیر و تأثرها، در زمینه ارتباط میان افراد اجتماع، حد و مرزهایی قائل شده است. از جمله این حد و مرزها می‌توان به نحوه ارتباط دو جنس مخالف با یکدیگر اشاره کرد. در آیات قرآن به وضوح، محدوده ارتباط دو جنس مخالف با یکدیگر مشخص شده و اگر فردی فراتر از این حد و مرزها قدم بگذارد، در دایره ارتباط نامشروع قرار می‌گیرد. پرداختن به علل ارتباط‌های نامشروع میان دو جنس مخالف و پیامدهای آن مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است که در پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره می‌شود؛ اما چنین به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های مرتبط، با بررسی دلایل روابط نامشروع دختر و پسر نوجوان و جوان، از منظری بیرونی و با نگاه کمی به مسئله نگریسته‌اند (امینی و همکاران، ۱۳۹۰) و پیشنهادهایی از این منظر برای کاهش آسیب‌های این نوع روابط ارائه کرده‌اند؛ اما پژوهش حاضر، درصدد است تا از منظری درونی و کیفی به زمینه‌ها، دلایل، علت‌ها و پیامدهای آسیب‌زای ارتباط‌های نامشروع دانش‌آموزان دختر پردازد و تحلیلی بر چگونگی پیشگیری از این نوع ارتباط‌ها از منظر فلسفه تربیت در ساحت تربیت جنسی، بیان نماید.

۱-۱- بیان مسأله

همانطور که گفته شد، یکی از نیازهای طبیعی انسان، حضور در اجتماع و ارتباط با هموعان است؛ اما در جوامع مختلف، این ارتباط‌ها و محدوده آن، براساس ملاک‌های خاص ارزشی حاکم بر جوامع مشخص می‌شود. در کشور اسلامی ما، قوانین شرع بیان‌کننده چگونگی این نوع روابط و حد و مرزهای آن‌ها می‌باشد و بر این اساس، قاعده‌ها و معیارهایی برای این نوع ارتباطات مشخص شده است؛ چنان‌که نادیده گرفتن این معیارها و حد و مرزها موجب وقوع ارتباط‌های مذموم و نامشروع می‌شود. یکی از پدیده‌های نسبتاً جدید در جامعه ما، گسترش این نوع ارتباط‌های مذموم و نامشروع میان دخترها و پسرها می‌باشد، در حالی که این گونه ارتباط‌های مذموم، با آیات قرآن و آموزه‌های معصومین تعارض دارد. در قرآن، آیات متعددی مربوط به نحوه ارتباط زن و مرد نامحرم با یکدیگر در کلام، نحوه راه‌رفتن، نگاه کردن و... وجود دارد که در همه این آیات، مرز اختلاط‌ها مشخص شده و

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...
دلیل رعایت این نکات، صلاح‌بندگان و حفظ آن‌ها از طمع‌ورزی بیماردلان ذکر گردیده است؛ اما با وجود این که این گونه رفتارها تقریباً در فرهنگ و ارزش‌های جامعه مسلمان ایرانی سابقه و جایگاه چندانی ندارد امروزه شاهد پیدایش و گسترش آن در سطح جامعه هستیم.

شیوع این پدیده در کشورهای غربی در قرن بیستم و با گسترش دیدگاه فروید در مورد غریزه جنسی، گسترش یافته است. در کشور ما، پژوهش‌ها حاکی از این است که عواملی مثل تغییر ارزش‌ها و تغییر سبک زندگی در پیدایش این نوع رفتار نقش مهمی دارد (سیدان و نجفی، ۱۳۹۱)؛ اما شناخت بستر اولیه شکل‌گیری این گونه روابط، علل و دلایل مربوطه، ساز و کارهای دخیل در فرایند پیدایش یا تداوم این گونه روابط و در نهایت تبیین پیامدها و آسیب‌هایی که این گونه روابط به دنبال دارند، نقش مهمی در کاهش آن در جامعه به ویژه نسل نوجوان خواهد داشت. در همین رابطه، مهمترین هدف‌های این پژوهش آن می‌باشد تا نخست بستر و زمینه‌های وقوع ارتباط-های مذموم اخلاقی در میان گروهی از دانش‌آموزان را کشف نماید، ذلت‌ها و دلایل وقوع آن‌ها را بازبایی کند، سازوکارهای دخیل در شروع و استمرار آن‌ها را تبیین نماید، پیامدهای این نوع روابط را بازنماید و در نهایت، راهکاری پیشگیرانه برای عدم وقوع این ارتباط‌ها از منظر فلسفه تربیت بیان نماید.

۱-۲- پیشینه پژوهش

متناسب با مسئله این پژوهش، پژوهش‌هایی در جامعه ما انجام شده است که می‌توان آن‌ها را در دو دسته پژوهش‌های نظری و پژوهش‌های کمی و تجربی قرار داد. در اینجا، به اختصار به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

الف- پژوهش‌های نظری و مفهومی

فرمیهنی فراهانی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، با نظر به آموزه‌های اسلامی و دیدگاه معلمان، والدین و دانش‌آموزان به این نتایج رسیده است که مهمترین رئوس مطالب برای تربیت جنسی در کتب درسی عبارتند از: شیوه‌های کنترل و تعدیل غریزه جنسی، تشریح نکات بهداشتی در سنین بلوغ، تأثیر دوست در سلامت یا سقوط اخلاق جنسی در نوجوان و آگاهی از خطرات و امراض جنسی.

طاهرپور و شرفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، به اصول اخلاق جنسی چون قداست، مرزشناسی، رضایت، حکمت، پاکی و طهارت، مصونیت، هدفمندی و جذابیت جنسی و تناسب دست یافته‌اند.

طاهرپور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به مبانی انسان‌شناختی اسلامی، به اصل و ارزش‌های اخلاقی چون سرکوب‌نکردن غریزه جنسی، اعتدال، حفظ کرامت انسانی زنان، عمل به فرامین الهی، مصونیت اخلاقی، ارتقای معنویت، رفتار جنسی مسئولانه، ازدواج آزادانه و آگاهانه و... دست یافته‌اند.

ب- پژوهش‌های کمی و تجربی

خلیج آبادی فراهانی و مهر یار (۱۳۸۹) به «بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران» پرداخته و هدف از این پژوهش، شناخت عوامل خانوادگی پیش‌بینی‌کننده روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج بین دانشجویان تهران بوده که ۱۷۴۳ دانشجو از ۴ دانشگاه تهران به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و از این تعداد، ۱۴۰۰ دانشجو مجرد بوده و نیمی از دختران، ارتباط با جنس مخالف را گزارش کرده‌اند. تحلیل آماری در این پژوهش نشان می‌دهد که کنترل سختگیرانه والدین در دوره بلوغ، نگرش آزادانه والدین، احترام کم به نظرات والدین، مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین دختران می‌باشد.

جوکار (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر» به این نتایج دست یافته که بی‌تردید، افکار و نگرش‌های خود نوجوان یا جوان، مهم‌ترین عامل سوق‌دهی او به سمت روابط ناسالم با جنس مخالف است؛ سپس عملکرد خانواده آن‌ها نقش مهمی دارد. البته عوامل دیگری مثل دوستان، فرهنگ جامعه، نهادهای آموزشی و دینی، استعمار، تهاجم فرهنگی و... نیز به نوبه خود از عوامل تأثیرگذار هستند. وی، در مقاله خود، به بیان آسیب‌های این‌گونه ارتباط‌ها نیز پرداخته است.

دل‌آور و احمدی (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «رابطه استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با جنس مخالف» به رشته تحریر درآورده‌اند. هدف این پژوهش مشترک، بررسی تأثیر استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف است که با روش پیمایشی و از طریق پرسش‌نامه انجام شده و نتایج، حاکی از آن است که میزان ارتباط با جنس مخالف با مواردی مانند سن، جنسیت، استفاده از تلفن همراه و ماهواره ارتباط معناداری دارد.

سیدان و نجفی نژاد (۱۳۹۱) برای «بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران به روابط با جنس مخالف» از روش پیمایشی استفاده کرده و نمونه مورد پژوهش آن‌ها ۳۸۱ دانش‌آموز ۱۶-۱۸ ساله دبیرستان‌های تهران می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند و نتایج فرضیه‌ها حاکی از این است که میان متغیرهای مستقل نگرش خانواده و دوستان، اعتقادات، ارزش‌ها، پایبندی‌های دینی، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، با نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، رابطه معناداری وجود دارد و نگرش ۴۵/۷٪ افراد نسبت به این روابط مثبت، ۳۲٪/۳ بینابین و ۲۲٪ منفی است.

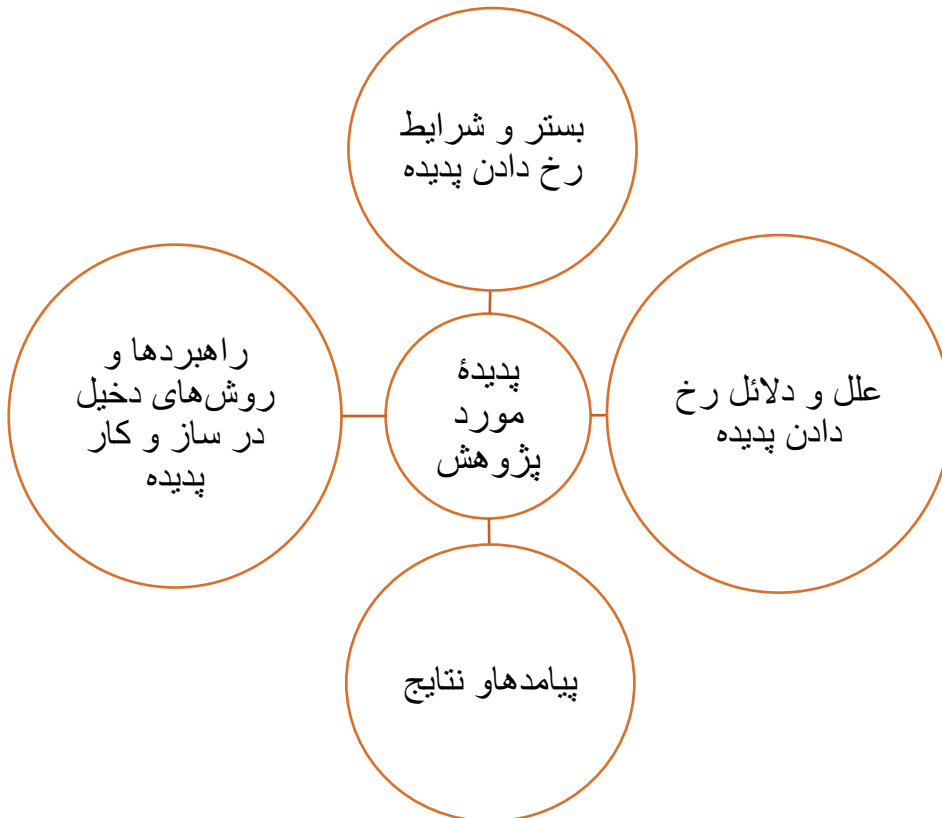
خانزاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان»، به این نتایج دست یافته‌اند که چنانچه والدین نتوانند تعامل مناسب و سازنده‌ای را با نوجوان یا جوان خود برقرار کنند، فرزند دچار محرومیت عاطفی و هیجانی شده و ممکن است این فقر هیجانی و کمبود عاطفی، وی را به سمت اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف سوق دهد.

۱-۳- رویکرد و روش پژوهش

رویکرد این پژوهش در بررسی پرسش‌های معطوف به مسئله، آن، رویکرد کیفی در پژوهش‌های تربیتی می‌باشد. از میان روش‌های مختلف مطرح در دامن رویکرد کیفی، از روش‌های «زیست‌نگاری» و «روایتگری»

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آنها از منظر... استفاده شده است. در روش پژوهش زیست‌نگاری، پژوهشگر تلاش می‌کند تجربه‌های کسب شده یک یا چند نفر را در یک حیطه معین بازنمایی کرده و از آنها معنی‌سازی کند و معنای بیرون‌کشیده را عرضه بدارد (بازرگان، ۱۳۸۷، ۶۸). در روش پژوهش روایتی، نخست پژوهشگر از افراد مورد پژوهش می‌خواهد تا تجربه خود از پدیده مورد پژوهش را در قالب یک قصه یا حکایت که مشتمل بر فراز و فرود تحول درونی و بیرونی آنها می‌باشد، بیان کنند، آنگاه او تلاش می‌کند تا این رخدادها را معنایی کند (وبستر و مرتوا، ۲۰۰۷) در این پژوهش، تلاش شده، ضمن توصیف اجمالی تجربه دانش آموزان از ارتباطشان با جنس مخالف، زمینه‌ها، دلایل و پیامدهای چنین ارتباطاتی بر شخصیت آنها بازنمایی و روایت شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این رابطه، نمودار ذیل، نشان‌دهنده روش تحلیل، کدگذاری و ساختارمندی محتوای تجربه زیسته دانش آموزان درباره موضوع مورد پژوهش می‌باشد. (فلیک، ۲۰۰۶، ترجمه جلیلی ۱۳۹۱).

نمودار شماره (۱): چهارچوب مفهومی بیان و تحلیل یافته‌های پژوهش



۱-۴- ابزار گردآوری اطلاعات و افراد نمونه مورد پژوهش

افراد نمونه مورد پژوهش، ۱۰ نفر از دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه (راهنمایی سابق) و دوره دوم متوسطه در مدارس دولتی شهر کرمان می‌باشند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. سه نفر از این افراد، دانش آموز دوره راهنمایی و ۷ نفر دانش آموز دوره دبیرستان هستند که حدود سه الی چهار سال درگیر این گونه روابط بوده‌اند. پژوهشگر خانم همکار پژوهش، پس از دریافت تأییدیه پرسش‌نامه مصاحبه از هسته مشاوره اداره آموزش و پرورش و دادن تعهد به حراست اداره مبنی بر رعایت اصل رازداری، معرفی‌نامه‌ای جهت حضور در

مدارس مدنظر را از حراست دریافت نموده است. آنگاه پس از حضور در مدارس و با همکاری مشاورین مدارس، تلاش شده است تا با دانش‌آموزانی که با جنس مخالف ارتباط داشته‌اند، در مورد محتوای مصاحبه صحبت نماید تا موافقت آن‌ها را برای انجام مصاحبه پژوهش جلب نماید. در این خصوص، برخی از این دانش‌آموزان، به دلایل شخصی و اجتماعی راضی به انجام مصاحبه نشده‌اند و اما ۱۰ نفر از آن‌ها، با پژوهشگر مصاحبه‌کننده همکاری کرده‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات در این مرحله پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است که پرسش‌های اولیه آن با مطالعه پیشینه پژوهش و مشورت با اساتید دارای تجربه در حوزه پژوهش‌های کیفی، تهیه شده‌اند. به منظور رعایت اخلاق پژوهش، در ابتدای مصاحبه، همه افراد در جریان کامل هدف پژوهش قرار گرفته و ضمن رضایت کامل از حضور در مصاحبه، با ضبط مصاحبه‌ها مخالفت کرده‌اند که این امر از سوی پژوهشگر، رعایت شده است. پس از اتمام مصاحبه‌ها؛ ابتدا متن کامل آنها بازنویسی شده است، آنگاه نکته‌های مهم هر سوال، کدگذاری شده‌اند، کدها یا مقوله‌ها از همه مصاحبه‌ها بیرون کشیده شده و با هم ترکیب و ادغام شده‌اند. نقل قول‌های مصاحبه‌شوندگان نیز با کد اختصاص یافته به هر فرد بیان شده‌است. در همه مراحل تحلیل یافته‌ها، نویسنده‌های مقاله با یکدیگر همکاری بسیار نزدیک داشته‌اند تا اعتبار یافته‌ها از جهت برخورداری از قابلیت بین‌الذهانی تأمین شود و مقوله‌ها، مورد توافق آن‌ها واقع شوند. به علاوه با مراجعه به پیشینه پژوهش، یافته‌ها غنا و اعتبار یافته‌اند. پرسش‌های اصلی مصاحبه نیز از این قرار بوده است:

جدول شماره (۱): پرسش‌های مصاحبه پژوهش

<p>حکایت و اولین قصه ارتباط شما با جنس مخالف چگونه شکل گرفت؟</p> <p>سطح ارتباط شما با جنس مخالف چگونه بوده است؟</p> <p>به چه دلیلی سراغ این گونه ارتباطات رفتید؟</p> <p>تا کنون پیامدهای خوب یا بد این نوع ارتباط‌ها برای شما چه بوده است؟ (به لحاظ فردی و اجتماعی)</p> <p>آیا از پیامدهای این نوع ارتباط‌ها از قبل آگاهی داشتید؟ اگر بله چگونه به این آگاهی رسیده بودید؟</p> <p>از این که وارد این نوع ارتباطات شده‌اید اینک چه احساسی دارید؟ چرا؟</p> <p>آیا خانواده شما از این نوع ارتباطات و دوستی‌های شما اطلاعی داشته‌اند و دارند؟ برخورد آن‌ها چگونه بوده است؟</p> <p>در ارتباط با این مسئله، چه سخن و پیامی برای خانواده‌ها دارید؟</p> <p>در ارتباط با این مسئله، چه پیام و سخنی برای متولیان تعلیم و تربیت (مدرسه، جامعه و...) دارید؟</p> <p>چه توصیه‌ای به دوستان همسن و سال خود دارید؟</p>

۱-۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های نخست این پژوهش، همان پاسخ‌های دانش‌آموزان به پرسش‌های مصاحبه می‌باشند که تحلیل و کدگذاری شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان، در پاسخ به سوال‌های مطرح شده با ذکر حکایت آغازین ارتباط خود از علل

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...
پنهان و آشکار شکل‌گیری این روابط پرده برداشتند؛ از پیامدهای این رابطه‌ها در ابعاد فردی، اجتماعی، روحی و روانی خود سخن گفتند و در پایان، با توجه به تجربیاتشان، به دوستان خود توصیه‌هایی نمودند و قصور و کوتاهی‌های متولیان تربیت را در قالب توصیه‌هایی به آنان، بیان نمودند.

در این جا، به منظور تبیین بهتر این معضل اخلاقی، با نظر به رویه‌های تبیین و تحلیل اطلاعات در پژوهش‌های کیفی مصاحبه‌محور (فلیک، ترجمه جلیلی، ۱۳۹۱) یافته‌های پژوهش، تحت چهار مقولۀ اصلی بستر و شرایط رخ‌دادن پدیده، علل یا دلایل رخداد پدیده، راهبردها و روش‌های دخیل در ساز و کار پدیده، پیامدها و نتایج آن بیان می‌شود. در این باره، نخست گزیده‌ای از یافته‌های پژوهش در یک جدول بیان می‌شود و در ادامه، به تفصیل، بیان و تحلیل می‌شوند.

ارتباط دختران با جنس مخالف و پیامدهای آن	بستر و شرایط رخ دادن پدیده	گروه دوستان و همسالان (کد ۵ و ۷)؛ مهمانی‌های فامیلی (کد ۶، ۸ و ۱۰)؛ اردوهای تفریحی از طرف مدرسه (کد ۱) مزاحمت تلفنی (کد ۲، ۳ و ۹)؛ محل سکونت و همسایه‌ها (کد ۴)		
	علل یا دلایل رخداد پدیده	عوامل و دلایل درونی	وعدۀ ازدواج در آینده (کد ۳، ۱۰، ۲ و ۵)؛ نیاز به هم‌سخن (کد ۱، ۷ و ۸)؛ حس کنجکاوی (کد ۹ و ۷)؛ نیاز به مقبولیت (کد ۱۰، ۳ و ۸) داشتن اطلاعات کم و غلط درباره ماهیت این روابط و پیامدهای آن (کد ۱، ۵، ۷، ۲ و ۴)	
		عوامل و علت‌های بیرونی	عملکرد نامطلوب والدین و سایر متولیان تربیت در جامعه (کد ۱ تا ۱۰)؛ تأثیرپذیری از دوستان و همسالان (کد ۷، ۶، ۵، ۲ و ۴)	
	راهبردها و نهادهای دخیل در ساز و کار پدیده	خانواده، مدرسه، نهادهای نظارتی و فرهنگی		
	پیامدها و نتایج این روابط	فردی	فرار از خانه (کد ۵)؛ خودکشی (کد ۵ و ۸)؛ آسیب و تخریب شخصیت (کد ۸) سرکوب شدن احساسات (کد ۷)، کم‌شدن آزادی‌های فردی (کد ۹)؛ احساس گناه (کد ۹ و ۱۰)؛ احساس عذاب وجدان (کد ۷)	
		اجتماعی	بی‌اعتمادی والدین (کد ۹)؛ خشونت اعضای خانواده و والدین (کد ۳، ۴ و ۵)؛ از بین رفتن حیثیت و اعتبار اجتماعی (کد ۱)؛ ب‌توجهی کادر مدرسه (کد ۵)؛ اخراج از مدرسه (کد ۱ و ۵)	
	توصیه‌های افراد نمونه پژوهش در جهت رفع این معضل اخلاقی	توصیه به والدین	رعایت اصل رازداری (کد ۱)؛ تهیه نکردن تلفن همراه (کد ۹ و ۱۰)؛ پرهیز از اعتماد بیش از اندازه به فرزند (کد ۹)؛ نظارت بیشتر بر فرزندان (کد ۶)؛ مهربانی با فرزند (کد ۶، ۲، ۱، ۵، ۳)؛ سرپوش نگذاشتن بر ارتباط‌های نامشروع آن‌ها (کد ۷)	
		توصیه به اولیاء مدارس	پرهیز از بدرفتاری (کد ۴ و ۵)؛ اعتماد به دانش‌آموز (کد ۲)؛ داشتن ارتباط عاطفی با دانش‌آموز (کد ۱ و ۲) تبعیض قائل نشدن بین دانش‌آموزان (کد ۸)؛ رعایت اصل رازداری توسط مشاور مدرسه (کد ۲ و ۵)؛ آگاهی بخشیدن به والدین درباره برخورد درست با فرزندان در این زمینه (کد ۸)	

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...

	توصیه به نهادهای نظارتی و مسئولان	بیشتر شدن نظارت پلیس (کد ۱۰)؛ جمع‌آوری ماهواره (کد ۸)؛ کم‌شدن آزادی مردان در جامعه (کد ۷)؛ ایجاد اشتغال و سرگرمی‌های سالم (کد ۱)
--	--	--

۲- بحث

۲-۱- بستر و شرایط رخ دادن پدیده

دانش‌آموزان مورد مصاحبه در پاسخ به این سؤال که اولین ارتباط شما چگونه شکل گرفت، پاسخ‌هایی دادند که جواب‌های آنها حکایت از علل شکل‌گیری این گونه روابط و خلأهای تربیتی آنان دارد. در این جا مواردی از آن‌ها بیان می‌شود: «اولین ارتباط من با پسرها وقتی که کلاس اول راهنمایی بودم، اتفاق افتاد. ما از طرف مدرسه به اردو رفته بودیم که چند تا پسر به ما متلک می‌گفتند و من جوابشون رو می‌دادم. اون‌ها که از من خوششون اومده بود به من شماره‌ای دادند و من وقتی به خونه رسیدم به اون شماره پیام دادم.» (کد ۱)

اولین آشنایی من، با یک مزاحمت تلفنی شروع شد (کدهای ۲، ۳ و ۹)؛ «کلاس پنجم که بودم پسر همسایه، شماره‌اش رو به من داد و من تا چند ماه باهاش در ارتباط بودم.» (کد ۴)، کلاس اول راهنمایی بودم که یکی از هم‌کلاسی‌هایم دوست پسر داشت. یک روز که با هم دسته جمعی گردش رفته بودیم، دوست پسر هم کلاسیم، یکی از رفیق‌هایش رو به من معرفی کرد و من به مدت یک ماه باهاش دوست بودم ولی وقتی فهمیدم قصد ازدواج نداره، قطع رابطه کردم». (کد ۵) «شب یلدای پارسال مهمون خواهرم بودم که پسر همسایشون به من شماره داد و من وقتی این قضیه رو برای دوستانم تعریف کردم، اون‌ها گفتند حالا که بهت شماره داده پس باهاش دوست بشو» (کد ۶)، «یک هفته قبل از این که وارد پایه سوم راهنمایی بشوم، از طریق یکی از دوستانم باهاش دوست شدم و مادرم کاملاً از این موضوع باخبر بود» (کد ۷)، «برای اولین بار با یکی از اقوام دور دوست شدم. ما قبلاً در مجالس فامیلی با هم آشنایی داشتیم» (کد ۸) «یکی از اقوام دور بهم گفت بیا با خواهرزاده من دوست بشو... بعداً میاد خواستگاریت» (کد ۱۰)

در مورد سطح و نوع ارتباط با جنس مخالف، اکثریت قریب به اتفاق این دانش‌آموزان به ارتباط تلفنی، پیام دادن و ملاقات حضوری با جنس مخالف اقرار نمودند (کدهای ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹) البته در این میان، دانش‌آموزانی نیز حضور داشتند که از ترس پیامدهای این روابط، صرفاً به تماس تلفنی، اکتفا نموده بودند. (کد ۳ و ۱۰) حکایت آغازین ارتباط دانش‌آموزان با جنس مخالف، متضمن واقعیت‌هایی ناشی از فقدان تربیت‌یافتگی در ساحت‌هایی چون تربیت عقلانی، اجتماعی و جنسی می‌باشد. نیاز به مقبولیت در میان گروه همسالان و تأثیرپذیری از آنان، استقبال از مورد توجه واقع شدن از سوی جنس مخالف، عدم آگاهی از نحوه برخورد با غریبه‌ها و مزاحمان تلفنی و نحوه برخورد با پسرهایی که در فامیل و همسایگی وجود دارد، نداشتن قدرت نه گفتن در مقابل پیشنهادهای گروه همسالان، واقعی پنداشتن وعده ازدواج. از این رو، به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های زندگی در پرتو تربیت

عقلانی، تربیت جنسی و تربیت اجتماعی از همان سنین کودکی برای ورود به دنیای نوجوانی و جوانی، ضرورت می‌یابد. این موارد در ادامه به صورت مفصل مورد بحث قرار می‌گیرند.

۲-۲- عِلل یا دلایل رخداد پدیده

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، در پیدایش این معضل اخلاقی، عوامل و دلالتی دخیل هستند که برخی از آن‌ها مستقیماً به افکار و حالات خود شخص بر می‌گردد و سرمنشأ برخی از آن‌ها نیز محرک‌ها و عوامل بیرونی می‌باشند.

۲-۲-۱- عوامل و دلایل شخصی و درونی

الف: وعده ازدواج در آینده

در لابلای سخنان مصاحبه‌شوندگان، انگیزه‌ای غالباً مشترک، در پیدایش و تداوم چنین ارتباط‌هایی دیده می‌شد و آن ایجاد ارتباط با جنس مخالف به انگیزه ازدواج در آینده بود و وعده‌های پسران نیز در شکل‌گیری و تداوم این روابط نقش مهمی داشت. البته این امر، با توجه به کاهش سن ازدواج در دخترهای مقطع متوسطه دوم، در میان طبقه افراد زحمتکش و کم‌سواد شهر مورد پژوهش، امری دور از واقع نمی‌باشد. دانش‌آموز نوجوانی که به همین انگیزه، ارتباط‌های متعدد را تجربه نموده است، درباره دلیل قطع ارتباطش بیان می‌دارد: «دلم می‌خوادم من را فقط به خاطر خودم بخواد و برای ازدواج». (کد ۲). یکی از مصاحبه‌شوندگان نیز که رابطه دوستی‌اش فقط یک ماه به طول انجامیده است، درباره دلیل قطع رابطه‌اش می‌گوید: «من به مدت یک ماه باهاش دوست بودم، ولی وقتی فهمیدم قصد ازدواج نداره، قطع رابطه کردم». (کد ۵) دانش‌آموز دیگری نیز انگیزه‌اش را از ایجاد ارتباط، این‌گونه بیان کرد: «شرط دوستی‌اش با من این بود که از من خواستگاری کنه» (کد ۱۰) نوجوان دیگری نیز که آغاز ارتباطش از پایه سوم راهنمایی شکل گرفته و شش ماه طول کشیده است، در پاسخ به این سوال که چرا این رابطه ۶ ماه طول کشید؟ این‌گونه پاسخ داد: «می‌خواست به خواستگاریم بیاد» (کد ۳)

اغلب مصاحبه‌شوندگان نسبت به این موضوع که یک ازدواج موفق نیازمند فراهم شدن شرایط و مقدمات متعددی است، آگاهی عمیق و درونی شده، نداشته‌اند. این امر، حکایت از ضعف تربیت عقلانی و جنسی دارد و ضرورت توجه به این ابعاد تربیتی را می‌طلبد.

ب: نیاز به هم‌سخن

در مورد ماهیت وجود انسان، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در برخی دیدگاه‌ها، جنبه اجتماعی وجود آدمی، امری ثانوی (جان لاک، جان استوارت میل) است و در پاره‌ای دیدگاه‌ها، امری اساسی (هگل، دیویی، پیازه) می‌باشد. در دیدگاه اسلامی، توجه توأمان به هویت فردی و اجتماعی انسان می‌شود و لذا نیاز به ارتباط با دیگری، نیازی اساسی در تحقق ماهیت انسان می‌باشد (باقری، ۱۳۸۴). از این رو یکی از نیازهای طبیعی او، نیاز به هم‌سخن اجتماعی می‌باشد. اگر این نیاز در میان هم‌نوعان و اعضای خانواده به درستی تأمین نشود، موجب کشیده شدن فرد به طرف ارتباط نامذموم با جنس مخالف خواهد شد. یکی از عوامل سوق‌یافتن برخی مصاحبه‌شوندگان به سوی این روابط، همین عامل بوده است. «اگه برادرم با من صمیمی بود، من هرگز سراغ ارتباط با پسرها نمی‌رفتم» (کد

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...

۱)، «از بی‌مادری و بی‌توجهی پدرم خیلی زجر می‌کشیدم» (کد ۷)، «خیلی دلم می‌خواد مادرم درباره اتفاق‌هایی که طی روز برام پیش اومده، از من سوال کنه، نمی‌تونم این کار رو ترک کنم، چون دلم می‌خواد با یک نفر حرف بزنم، اون همه چیز رو از من می‌پرسید.» (کد ۸)

با توجه به این واقعیت‌ها، به نظر میرسد والدین باید چنان محیطی را در خانه فراهم کنند که فرزندان بتوانند آزادانه و بدون ترس از پیامدهای احتمالی، سخنان خود را در جمع خانواده بیان کنند. لذا می‌توان گفت که نبود یک هم‌سخن و مهرورزی کم از سوی اعضای خانواده و دوستان همجنس، می‌تواند یکی از زمینه‌های رفتن افراد به سوی این ارتباط‌های پرخطر باشد و نشان از ضعف در بعد تربیت عاطفی و اجتماعی آنان دارد.

ج: نیاز به مقبولیت

یکی از نیازهای درونی و اساسی دوره نوجوانی و جوانی نیاز به تأیید شدن از طرف گروه همسالان و کسب مقبولیت از سوی آن‌ها می‌باشد. قدرت این میل و نیاز تاحدی است که گاهی باعث می‌شود نوجوان برای تحقق آن، در مقابل ارزش‌های گروه بزرگسال مانند والدین و معلمان خود بایستد و تن به معیارها و ارزش‌هایی دهد که مورد قبول گروه همسالان او می‌باشند (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۲). برخی از دانش‌آموزان مورد مصاحبه، دلیل اصلی سوق یافتن به این عرصه را همین نیاز بیان داشته‌اند: «می‌خواستم نظرش رو درباره خودم بدونم» (کد ۱۰)، «دلم می‌خواد توی جمع دوستانم حرفی برای گفتن داشته باشم.» (کد ۳)، «وقتی بچه‌ها درباره دوست پسرشون حرف می‌زنند فکر می‌کنم یه چیزی کم دارم.» (کد ۸)

به نظر می‌رسد با توجه به قدرت تأثیرگذاری گروه همسالان بر ارزش‌ها و عمل نوجوانان، لازم است همگرایی و انسجام میان ارزش‌های والدین، مدرسه و گروه همسالان در دوره نوجوانی، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

د: حس کنجکاوی

کنجکاوی یکی دیگر از عوامل سوق یافتن دانش‌آموزان مورد مصاحبه به قلمرو ارتباط با جنس مخالف است: «از روی کنجکاوی دلم می‌خواست بفهمم چه قصدی داره.» (کد ۹ و ۷)، این امر، ضرورت توجه به این حس شناختی نوجوانان و هدایت آن را از سوی متولیان تربیت، بیان می‌نماید.

ه: داشتن اطلاعات کم و غلط درباره ماهیت این روابط و پیامدهای آسیب‌زای آن

آگاهی و بینش، همیشه به سان چراغی، روشنگر مسیر حرکت انسان‌ها بوده است و در مقابل، جهل و نادانی نقش برجسته‌ای در غل و زنجیر کردن روح و روان آدمی ایفا نموده است. آسیب‌هایی که در طی تاریخ، از ناحیه جهل، دامگیر انسان‌ها شده است، انگیزه‌ای گردیده تا او به سوی کسب آگاهی عمیق حرکت کند و دیگران را نیز به همین سمت و سو فراخواند. فراخواندن نوجوانان به همین سمت و سو و اعطای آگاهی عمیق به آنان از طرف والدین و نهادهای مسئول، وظیفه‌ای تربیتی می‌باشد؛ چراکه عالم یا جاهل بودن هر انسانی، نسبت به پیامدهای اعمال و گفتارش، در شیوه زندگی و نوع انتخاب‌هایش مؤثر خواهد بود. به عبارتی دیگر، کمیّت و کیفیت انتخاب‌های انسان در زندگی‌اش، در گرو دانسته‌ها و نادانسته‌های او می‌باشد. نوجوانانی که در این پژوهش از ارتباط خود با

جنس مخالف سخن گفته بودند یا به طور کامل از پیامدهای آسیب‌زای این رابطه بی‌اطلاع بودند (کدهای ۱، ۵، ۷) یا اطلاعاتی در این باره از هم‌سن و سالان خویش کسب نموده بودند. (کدهای ۲ و ۴)

۲-۲-۲- عوامل و علت‌های بیرونی

الف: عملکرد نامطلوب والدین و سایر متولیان تربیت در جامعه

در پیدایش و تداوم روابط مذموم اخلاقی، نقش متولیان تربیت بسیار پررنگ می‌باشد. مفهوم متولیان امر تعلیم و تربیت، مصادیق متعددی از جمله خانواده، اصحاب مدرسه، نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط چون رسانه و... را در برمی‌گیرد. (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱)

اطلاع یا عدم‌اطلاع خانواده‌ها به عنوان اصلی‌ترین متولیان امر تعلیم و تربیت، نسبت به چنین رابطه‌هایی و نوع عکس‌العمل‌های آن‌ها، نقش مهمی در نحوه تداوم یا عدم‌تداوم این گونه رفتارها، دارد. پاسخ‌های برخی از دانش‌آموزان به سوالات مصاحبه، حاکی از عکس‌العمل‌های نسنجیده تربیتی برخی والدین دارد. رفتارهایی چون تنبیه بدنی شدید، سخت‌گیری و انواع محدودیت‌های بی‌منطق، نه تنها از این روابط نمی‌کاهد، بلکه چه بسیار پیامدهای منفی تربیتی دیگری را هم به دنبال دارد.

در این پژوهش، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان از عکس‌العمل دور از خشونت والدین خود سخن گفتند (کدهای ۱ و ۶) و غالباً از عکس‌العمل‌های منفی والدین و سایر اعضای خانواده سخن گفتند: «همه این موضوع رو فهمیدند؛ مادرم، خواهرم، برادرم و دامادمون من رو با چوب، لوله و... به شدت کتک زدند» (کد ۵)، «پدرم کتکم زد و از داشتن گوشی تلفن محروم کرد، مادرم نیز برای کوچک‌ترین چیزی کتکم می‌زنه» (کد ۴)، «مادرم متوجه این قضیه شد و تا مدتی خیلی سخت‌گیری می‌کرد، آزادی‌ام کمتر شده» (کد ۹) و نوجوانی که بارها خودکشی و خودزنی را تجربه نموده، در مورد عکس‌العمل والدینش چنین بیان می‌کند: «مادرم چیزی بهم نمی‌گه، چون می‌دونه اگه با من دعوا کنه، خودکشی می‌کنم... پدرم نیز به خاطر این که من پررو نشوم، چیزی نمی‌گه» (کد ۸)، البته در این میان، والدینی نیز بودند که نظارت صحیحی در کنترل فرزندشان نداشته و از ارتباط‌های آن‌ها با جنس مخالف بی‌اطلاع بودند. (کدهای ۲، ۶ و ۱۰)

بدیهی است که نحوه برخورد والدین با این موضوع به آموزه‌های تربیتی و اخلاقی آنان بستگی زیادی دارد. چه بسا، والدینی نیز در جامعه حضور دارند که خودشان آلوده این روابط هستند و به تبع آن، فرزندان خویش را نیز به همین سمت و سو ترغیب می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان، علت اصلی شکل‌گیری این رابطه را فساد اخلاقی یکی از اعضای خانواده‌اش و مساعدت وی در ایجاد این رابطه بیان می‌کرد. (کد ۷)

یکی از سوالات مصاحبه این بود که «در ارتباط با این مسئله، چه پیام و سخنی برای متولیان تعلیم و تربیت (مدرسه، جامعه و...) دارید؟» افراد نمونه پژوهش در پاسخ به این سوال، توصیه‌هایی بیان داشتند. این توصیه‌های برخاسته از واقعیت، از یک سو خبر از نیازهای آموزشی و تربیتی نوجوانان در این حوزه دارد و از سوی دیگر، روایی چگونگی عملکرد متولیان در این قلمرو می‌باشد که ضرورت دارد مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت و متولیان آن قرار گیرد:

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...

«والدین، رازدار باشند.» (کد ۱)، «برای بچه‌هاشون تلفن همراه تهیه نکنند.» (کدهای ۹ و ۱۰)، «بهشون بیش از حد اعتماد نکنند.» (کد ۹)، «در مراقبت از بچه‌هاشون بیشتر سختگیری کنند.» (کد ۶)، «بهاشون مهربون باشند.» (کدهای ۱، ۲، ۴ و ۵)، «از بچه‌هاشون بخواهند تا ارتباط‌هایی که با جنس مخالف داشته‌اند را برملا نمایند.» (کد ۳)، «روی کارهای بچه‌هاشون سرپوش نگذارند.» (کد ۷)، «بچه‌ها رو درک کنند. پدر و مادر من بی‌سواد هستند. مادرم هنوز نمیدونه تحقیق چیه؟ یا انگلیسی چیه؟... اجازه نمی‌دهند کلاس زبان بروم.» (کد ۵)، «اولیاء مدرسه بین بچه‌ها تبعیض نگذارند.» (کد ۸)، «بهاشون دوست باشند.» (کد ۱ و ۲)، «بهشون اعتماد کنند.» (کد ۲)، «بهاشون بدرفتاری نکنند.» (کد ۴ و ۵)، «مشاور، رازدار بچه‌ها باشه.» (کد ۲ و ۵)، «به حرفای بچه‌ها گوش بده.» (کد ۷)، «دربارۀ روابط پسر و دختر بیشتر برای والدین صحبت کنند.» (کد ۸)، «پلیس بیشتر سختگیری کنه.» (کد ۹ و ۱۰)، «پلیس، ماهواره‌ها و پسرهای بدلباس رو جمع کنه.» (کد ۸) «آزادی مردها کمتر بشه.» (کد ۷)، «جوان‌ها را از بیکاری نجات بدهند.» (کد ۱)، «مسئولان تعلیم و تربیت، فکر نکنند امثال من آدمای بدی هستند.» (کد ۷)

ب: تأثیر پذیری از دوستان و همسالان در برنامه درسی ضمنی و پنهان مدرسه

یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین دلایل سوق یافتن دختران نوجوان، به عرصه چنین روابطی، وجود گروه همسالان و دوستان در مدرسه و جمع آشنایان می‌باشد. در جمع همسالان، اطلاعات متفاوتی مبادله می‌شود و این اطلاعات ردوبدل شده به تجارب و وقایع روزمره دانش آموزان بستگی دارد (احمدی، ۱۳۸۵: ۶). اهمیت گروه همسالان در شدت تأثیر پذیری آن‌ها از یکدیگر نهفته است؛ زیرا «نوجوان، بخش عمده‌ای از وقت خود را خارج از محیط خانه با اعضای همگانش می‌گذرانند و این گروه در گردش‌ها، تکلم، رغبت‌ها، وضع ظاهر و رفتار نوجوان بیش از خانواده اثر می‌گذارد؛ مثلاً بیشتر نوجوانان کشف می‌کنند که باید برای پذیرفته شدن در گروه همسالان، آداب و رسوم آن را دقیقاً رعایت کنند و خود را به شکلی در می‌آورند که آن گروه می‌خواهد.» (شعاری نژاد، ۱۳۸۱: ۸۴). این تأثیر پذیری، به وضوح در سخنان مصاحبه‌شوندگان دیده می‌شود: «دوستانم گفتند باهاش دوست بشو.» (کد ۶)، «دوستِ پسر هم‌کلاسیم، یکی از رفیق‌هاش رو به من معرفی کرد.» (کد ۵)، «دخترای فامیل، با آب و تاب از دوست - پسرشون حرف می‌زدند.» (کد ۱۲)، «تحت تأثیر حرفای دختر دوست مامانم، اینکار رو کردم.» (کد ۴)، «از طریق یکی از دوستانم، باهاش دوست شدم.» (کد ۷)

عملکرد تربیتی گروه همسالان در برنامه درسی ضمنی و پنهان، به مثابه معلمانی نامرئی اما موفق، چنان در روح و روان دوستان خویش تأثیر می‌گذرانند که به وضوح، از معلمان مرئی در مدارس واقعی و برنامه درسی آشکار گوی سبقت را می‌برند. این چنین است که در اغلب مواقع، آموزه‌های معلمان در برنامه درسی آشکار در باب عفت و پرهیز از ارتباط نامشروع با نامحرم، در تمسخر نگاه و لحن کلامشان، کم‌رنگ و چه بسا گم می‌گردد. به عبارت دیگر «مدرسه نامرئی در کنار و حتی در مقابل برنامه رسمی، به ایجاد تغییر در شخصیت دانش آموزان دست می‌زند.» (احمدی، ۱۳۸۵: ۷) از اینرو، تغییر در ساختار و نگرش این مدرسه طبق اصول خاصی، ضروری جلوه می‌کند و از طریق مداخله غیر مستقیم، نامحسوس و ایجاد روابط فرامدرسه‌ای با اعضای این مدرسه، می‌توان به شناسایی عوامل تأثیر گذار و مقابله با پیامدهای منفی آن‌ها پرداخت (همان).

یکی از راه‌های مؤثر اعمال تغییر در روند تأثیرگذاری این مدرسه و برنامه درسی پنهان آن، تبادل تجربه‌ها و پیامدهای آسیب‌زای این گونه روابط، از زبان اعضای این مدرسه و برنامه درسی‌اش می‌باشد. به عبارتی دیگر، در این خصوص، مریبان و معلمان مدرسه رسمی می‌توانند از طریق آگاه‌سازی عمیق دانش‌آموزی که خود در معرض آسیب‌های جدی تربیتی این نوع روابط قرار گرفته است، زمینه را برای بیان تجربه‌های تلخ و آسیب‌زای آن به گروه همسالان، فراهم نمایند. به نظر می‌رسد روایت این نوع تجربه‌های آسیب‌زا از زبان فردی که خود عضوی از گروه همسالان و برنامه درسی پنهان آن می‌باشد، در پیشگیری از آن‌ها برای سایر اعضای گروه همسالان مؤثر باشد. در آموزه‌های اسلامی و دینی هم آدمی به پند گرفتن از تجربه‌های دیگران دعوت شده است. چنان‌که پذیرفتن تجارب دیگران و پند گرفتن از آن‌ها نیز یکی از نشانه‌های تکامل عقل است «إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ» (ترجمه غررالحکم، بی تا، ص ۲۹۷)

۲-۳- راهبردها و نهادهای دخیل در ساز و کار پدیده

به نظر می‌رسد در پیدایش یا عدم پیدایش این روابط، عوامل متعددی از جمله خانواده، مدرسه و نهادهای نظارتی و فرهنگی نقش دارند. خانواده، یکی از عوامل و زمینه‌های مهم در شکل‌گیری، تداوم یا پرهیز افراد از این گونه روابط می‌باشد. با توجه به روایت‌های افراد نمونه پژوهش، نقش خانواده از چند جهت در کاستن یا عدم شکل‌گیری این گونه روابط موثر است؛ ۱- امکان ارتباط عاطفی قوی بین والدین و فرزندان و اشباع نیاز عاطفی آنها ۲- کنترل و نظارت تربیتی بر گروه دوستان در اوقات بیرون از مدرسه.

عامل دیگر، رفتار و عکس‌العمل‌های اولیاء مدرسه می‌باشد. نقش مدرسه از چند جهت مهم و موثر است:

۱- تقویت قوه خردورزی؛

۲- رعایت اصل رازداری در مورد مسائل تربیتی و جنسی دانش‌آموزان؛

۳- امکان روابط عاطفی بین دانش‌آموزان، مدیر و مشاور مدرسه؛

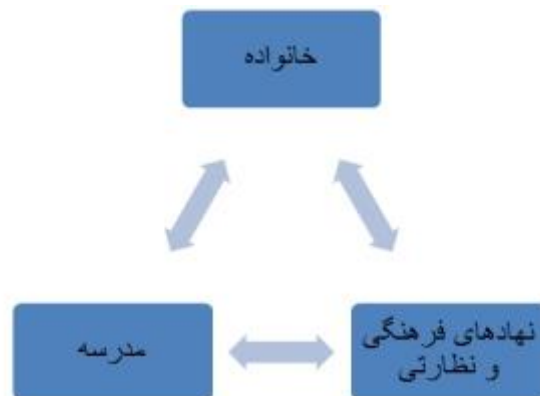
۴- پرهیز از عکس‌العمل‌های موقتی با نتایج معکوس مانند اخراج از مدرسه؛

۵- داشتن برنامه‌ای جامع برای تربیت جنسی.

در کنار نهاد خانواده، مدرسه، نقش نهادهای نظارتی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نظارت بر حفظ حیا و عفت در محیط جامعه، نقادی و آگاهی‌بخشیدن نسبت به مضرات برخی فیلم‌ها و برنامه‌های ماهواره، پرهیز از زمینه‌سازی رسانه‌ها برای بلوغ زودرس در نوجوانان از وظایف این نهادها است.

به نظر می‌رسد هماهنگی، انسجام و تلاش این سه نهاد، باعث تحقق تربیت اجتماعی، تربیت عقلانی و تربیت جنسی مطلوب در جامعه می‌شود و عدم هماهنگی و انسجام میان آن‌ها زمینه‌های پیدایش این روابط را تشدید می‌کند. چنان‌که برخی پژوهش‌ها، در مورد نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی در جامعه ما، هشدار داده‌اند. (شفیعی و یاری دهنوی، ۱۳۹۴)

نمودار شماره (۲) نهادهای مؤثر در (عدم) تحقق تربیت جنسی



۲-۴- پیامدها و نتایج این ارتباطها

ویژگی های خاصی چون رشد و تغییرهای شدید بدنی، عدم ثبات عاطفی، تلاش برای کسب هویت و استقلال-یابی، تأثیرپذیری شدید از گروه همسالان، پدیده مهم بلوغ جنسی (شرفی، ۱۳۹۱) در دوره نوجوانی، باعث شده است تا این مقطع سنی، انسان از اهمیت خاصی در طول زندگی آدمی برخوردار شود و لذا مورد توجه و مذاقه متخصصان علوم مختلف قرار گیرد.

اما دختران، به دلیل برخورداری از لطافت روحی و مسائل فرهنگی وابسته به جنسیت در جوامع مختلف، در معرض تهدیدهای بیشتری در این دوره قرار دارند. در جامعه کنونی ما نیز، عوامل زیادی سلامت جسمی و روحی دختران امروزی را مورد تهدید قرار می دهد. یکی از این عوامل و زمینه ها که می تواند زمینه ساز آسیب های جدی گردد، داشتن ارتباط نامشروع با جنس مخالف است. آسیب های اجتماعی و آسیب های فردی، از مهم ترین حوزه هایی هستند که در کمین افراد سوق یافته به سمت این گونه ارتباطها می باشد.

آسیب های اجتماعی دانش آموزان در پژوهش حاضر، مشتمل بر این واقعیت ها می باشد: «آبرویم در مدرسه و محله رفت.» (کد ۱) «از مدرسه اخراجم کردند.» (کد ۱ و ۵)، «کادر مدرسه من رو تحویل نمی گیرند.» (کد ۵)، «پدرم قبلاً رابطه اش با من خیلی خوب بود... مادرم من رو کتک میزند.» (کد ۳)، «مادرم نسبت بهم بی اعتماد شده.» (کد ۱۹) به علاوه آسیب های فردی، در بردارنده واقعیت های تلخ تربیتی از این نوع می باشد: «با احساساتم بازی شد.» (کد ۷)، «شخصیتم خرد شده.» (کد ۸)، «۱۰ بار خودکشی کردم و ۳ بار از خونه فرار کردم.» (کد ۵)، «چندبار خودزنی کردم.» (کد ۸)، «دنبال رابطه جنسی بودم.» (کد ۲ و ۵)، «احساس گناه می کنم.» (کد ۹ و ۱۰)، «بعضی وقتها عذاب وجدان می گیرم.» (کد ۷)

فحوای کلام مصاحبه شوندگان، متضمن بارسنگین اخلاقی و روانی منفی پیامد این گونه روابط می باشد که «احساس ترس» جایگاه بالاتری را به خود اختصاص می دهد؛ ترس از این که روزی «والدینم بفهمند.» (کد ۳ و ۶)، «همسر آینده ام بفهمه.» (کد ۴ و ۹)، «پسره، موضوع دوستی من رو به همه بگه.» (کد ۱۰)، «یکی از فامیل، منو باهاش ببینه.» (کد ۵ و ۶)، «دوست پسر منو بدزدند یا صدام رو ضبط کنند.» (کد ۵)، «دوست پسر من رو از دست بدم.» (کد ۷)

۳- نتیجه گیری

راهکاری برای پیشگیری از شکل‌گیری این نوع ارتباط‌ها از منظر فلسفه تربیت

نتایج روایت و تحلیل تجربه دانش‌آموزان مورد پژوهش نشان می‌دهد که ضعف تربیت جنسی و تربیت‌نیافتگی در این ساحت از تربیت، از مهمترین عوامل شکل‌گیری این ارتباط‌های مذموم اخلاقی در میان دانش‌آموزان می‌باشد، بعلاوه، فقدان بینش در ساحت چگونگی مواجهه با این پدیده از سوی خانواده‌ها و برخی اولیای مدرسه، بر شدت این ارتباط‌ها می‌افزاید. در قسمت پایانی پژوهش، تلاش می‌شود تا راهکاری برای پیشگیری از شکل‌گیری این نوع ارتباط‌ها از منظر فلسفه تربیت اسلامی، بیان شود.

باقری (۱۳۷۹) در مقاله‌ای، چهارچوب کلی هر نوع ایجاد و تغییر تربیتی را تحت عنوان مؤلفه‌های تربیت بیان می‌دارد؛ چنان‌که هر تغییر تربیتی با برخوردار شدن از آن‌ها، از تغییرهای شبه‌تربیتی چون تحمیل، تلقین و عادت به دور خواهد بود. به نظر می‌رسد این چهارچوب مفهومی می‌تواند در زمینه تربیت جنسی هم به کار آید و گره‌گشا باشد. این چهار مؤلفه عبارتند از: تبیین، ارایه معیار، تحرک درونی و نقادی (همان). در ادامه تلاش می‌شود این چهار مؤلفه در ساحت تربیت جنسی بازتعریف شوند و نقش آن‌ها در پیشگیری از شکل‌گیری ارتباط‌های مذموم اخلاقی نوجوانان بیان شود.

مؤلفه نخست تربیت، تبیین می‌باشد. در این مؤلفه، منظور آن است که مربیان و متصدیان تربیت برای ایجاد هر نوع تغییر تربیتی، باید دلیل و حکمت‌تن دادن مرتبی به تغییرهای تربیتی و دوری گزیدن از تغییرهای ضدتربیتی را پیشاپیش برای مربیان و دانش‌آموزان بیان کنند. به عبارتی دیگر، دانش و بینش لازم متناسب با تغییر تربیتی موردنظر را در اختیار آن‌ها قرار دهند (باقری، ۱۳۷۹). اقتضای این مؤلفه در ساحت تربیت جنسی این خواهد بود که متولیان و متصدیان تربیت باید نخست دانش و بینش استوار و منطقی متناسب با مباحث مربوط به تربیت جنسی در اختیار مربیان قرار دهند و برای آن‌ها، روشنگری مفهومی ایجاد نمایند؛ به عنوان مثال، دلیل و حکمت‌پایندی به ارزش‌های اخلاقی در این حوزه و پرهیز از ورود به ارتباط‌های مذموم اخلاقی با جنس مخالف را برای آن‌ها بیان نماید. چنان‌که در روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش‌آموزان مورد مصاحبه بیان شد، یکی از دلایل مهم ورود آن‌ها به این نوع ارتباط‌ها، فقدان بینش و آگاهی عمیق درباره چرایی پرهیز از این نوع ارتباط‌ها بود (کدهای ۱-۲-۴-۵-۷) که در همین باره، امر و نهی‌های اجباری و بدون پشتوانه منطقی یا توسل به رفتارهای خشن فیزیکی از سوی والدین، بر شدت این نوع ارتباط‌ها افزوده است. بنابراین، برای تحقق گام نخست تربیت‌یافتگی در این ساحت لازم است، متصدیان تربیت بدون توسل به روش‌های شبه‌تربیتی چون تحمیل و تلقین، زمینه روشن‌بینی مفهومی مربیان به پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی در این ساحت از تربیت را برای نوجوانان فراهم نمایند.

دومین مؤلفه تربیت، ارائه معیار می‌باشد (همان) منظور از معیار، همان قواعد انتزاعی دانش‌ها و بینش‌های تبیین‌شده می‌باشد. این معیارها، به مثابه سنگ محکی در بازشناسی امور دانشی و بینشی بیان شده در هر حوزه از تربیت، ایفای نقش خواهند نمود. متناسب با این مؤلفه تربیت، اقتضا می‌کند که متصدیان در ساحت تربیت جنسی، معیارها و قواعد بازشناسی دانش‌ها و بینش‌های مرتبط با مسائل تربیت جنسی را در اختیار مربیان قرار دهند؛ به عنوان مثال، لازم است متولیان تربیت، معیارها و قواعد ارتباط سالم اخلاقی با جنس مخالف در مراددهای انسانی را در اختیار

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...

نوجوان قرار دهد. چنان‌که در تحلیل و روایت تجربه دانش‌آموزان بیان شد، بسیاری از آنها، از چنین معیارها و قواعدی در چگونگی مواجهه با جنس مخالف برخوردار نبودند و لذا دچار خطا و آسیب شدند. شواهد فقدان چنین معیارها و قواعدی را می‌توان در مقوله زمینه‌ها و بستر رخداد ارتباط با جنس مخالف در نزد دانش‌آموزان مورد پژوهش، به وفور دید. چنان‌که افرادی نقطه شروع این ارتباط‌ها را یک مزاحمت تلفنی، بیان داشته‌اند (کدهای ۹-۲-۳-۱). یا افرادی، وعده ازدواج از سوی پسران را دلیلی برای ورود به این نوع ارتباط‌ها بیان داشته‌اند. در این جا هم به نظر می‌رسد اگر نوجوانان دختر، برخوردار از قاعده‌ها و معیارهای بازشناسی سخن دیگران بودند، به این وعده‌های پوچ اعتنا نمی‌کردند و خود را در معرض آسیب‌های جدی فردی و اجتماعی قرار نمی‌دادند.

سومین مؤلفه تربیت، تحرک درونی می‌باشد. منظور از این مؤلفه آن است که فرد، انگیزه‌های عمل خود را به صورت روشن و بارز در درون خود می‌یابد و می‌توان گفت که یک نوع برخورداری از درون است و تربیت، فرایندی است که سرانجام تحول درونی‌ای در فرد رخ می‌دهد و او با انگیزه‌ای روشن و درون‌زاد می‌داند که چگونه رفتار کند، چگونه بیندیشد و چه ویژگی‌هایی داشته باشد (باقری، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۲). اقتضای این مؤلفه در تربیت جنسی این خواهد بود که اگر حکمت و دانش درست درباره مسائل جنسی در اختیار متریان قرار بگیرد و معیارها و قواعد بازشناسی این دانش‌ها و بینش‌ها در امور مختلف مطلوب و نامطلوب جنسی به آن‌ها داده شود، زمینه برای تحرک درونی و پایداری متریان و دانش‌آموزان به این معیارها از درون فراهم می‌شود و دیگر نیازی به روش‌های اجباری بیرونی‌ای چون تحمیل، اجبار و تهدید، وجود نخواهد داشت. فقدان تحقق این مؤلفه تربیت جنسی در سخنان دانش‌آموزان مورد پژوهش درباره عملکرد والدین، اولیا مدرسه و نهادهای نظارتی، به وضوح قابل بازشناسی است. آنجا که این افراد، زمینه از بین رفتن نوع ارتباط‌ها را در سخت‌گیری بیشتر والدین، اصحاب مدرسه و پلیس می‌دانند یا توصیه به جمع کردن ماهواره و برخورد با پسرهای بدلباس بیان داشته‌اند موید این مطلب است. (کدهای ۸-۹-۱۰)

چهارمین مؤلفه تربیت، نقادی است. منظور از این مؤلفه، فراهم‌سازی زمینه نقادی مرتبی نسبت به تحقق معیارها و قواعد مورد بحث در خویشتن، در مربی و در جامعه پیرامون می‌باشد (همان). اقتضای این مؤلفه در ساحت تربیت جنسی ایجاب می‌کند که متصدیان تربیت با دادن دانش‌ها و بینش‌های ژرف درباره مسائل جنسی، در اختیار گذاشتن معیارها و قواعد آن دانش‌ها و تحرک درونی خود متریان، زمینه را برای نقادی و بازشناسی این معیارها و قواعد در خویشتن، والدین، مربیان و معلمان و همه افراد جامعه فراهم سازند و بدین نحو، زمینه پاک‌ی و عفت در این نوع ارتباط‌ها را در محیط‌های کوچک و بزرگ جامعه فراهم نمایند. فحوای کلام دانش‌آموزان مورد پژوهش، حکایت از فقدان چشم‌گیر این مؤلفه تربیت جنسی در نزد آن‌ها دارد. چنان‌که در قسمت تأثیرپذیری آن‌ها از گروه همسالان در برنامه درسی ضمنی و پنهان مدرسه به وفور بیان شد (کدهای ۲-۶-۵). به علاوه، خود این افراد گاهی بیان داشته‌اند که خانواده در مقابل این نوع رفتارهای نوجوانان خود سکوت پیشه نکنند و بر آن سرپوش نگذارند (کد ۷). این خود نشان از فقدان این مؤلفه در نزد خانواده‌ها دارد. به نظر می‌رسد در صورت تحقق این مؤلفه در نزد دانش‌آموزان نه تنها آن‌ها به سادگی جذب و هم‌رنگ گروه همسالان در این نوع ارتباط‌ها، نمی‌شوند؛ بلکه زمینه نقادی

و آگاهی آن‌ها را هم فراهم می‌کنند و لذا ممکن است بتوانند ضمن مصموم ماندن از این نوع ارتباطها، دوستان و همسالان خود را هم از این نوع ارتباطها بازدارند.

به نظر می‌رسد پابندی به تحقق مؤلفه‌های تربیت در ساحت تربیت جنسی بتواند راهکار مناسبی برای پیشگیری از این نوع ارتباطها در نوجوانان بشوند و به علاوه بتواند تدبیر تربیتی درستی در اختیار متولیان تربیت همچون خانواده‌ها، اصحاب مدرسه و نهادهای نظارتی و فرهنگی باشد و آنها را از اقدام‌های نسنجیده تربیتی در این زمینه چون اخراج از مدرسه، تنبیه شدید بدنی، تهدید و قرنطینه کردن، نکوهش و سرزنش و... باز دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۵) **مدرسه نامرئی**. تهران: مدرسه.

شرفی، محمد رضا (۱۳۹۱) **دنیای نوجوان**، تهران: منادی تربیت.

طاهریور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرض؛ باقری، خسرو؛ مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۲). «تبیین مبانی انسان-شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، دوفصلنامه تربیت اسلامی حوزه و دانشگاه، سال هشتم، شماره ۱۷، صص: ۵۱-۷۱.

طاهریور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال سوم، شماره ۱، صص: ۷۵-۵۳.

فرمیهنی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»، دوماهنامه پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، سال یازدهم، شماره ۹، صص: ۱۴-۱.

باقری، خسرو. (۱۳۷۹). «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم». پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش ۳، صص: ۳۶-۱۳.

باقری، خسرو (۱۳۸۴) **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، جلد دوم، تهران: مدرسه.

یارمحمدیان، محمدحسین؛ مولوی، حسین؛ ایرانپور مبارکه، اختر (۱۳۸۲) «بررسی رابطه بین دوستیهای دوجانبه، پذیرش همسالان، خودپنداره و سازگاری اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر سال سوم راهنمایی شهر اصفهان»، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، شماره ۲، صص: ۲۰-۵.

دبس، موریس (۱۳۸۲) **مراحل تربیت**، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ یازدهم، تهران: دانشگاه تهران
امینی، ابراهیم. (۱۳۶۳). «کنجکاوی». پیوند، شماره ۵۴، صص ۴۳-۴۰.

امینی، محمد، تمنایی فر، محمدرضا، پاشایی رقیه. (۱۳۹۰). «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان»، مجله پژوهش‌های برنامه درسی (انجمن مطالعات برنامه درسی، سال اول، سال اول، صص ۲۰۲-۱۶۹).

روایت و تحلیل تجربه زیسته دانش آموزان دختر از ارتباط با جنس مخالف و ارائه راهکاری پیشگیرانه از آن‌ها از منظر...

بازرگان، عباس. (۱۳۸۷) **مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در**

علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.

جوکار، محبوبه. (۱۳۸۹). «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر»، طهورا، سال سوم، کد ۵، صص ۶۴-

۳۳.

حسین خانزاده، عباسعلی؛ طاهر محبوبه؛ سید نوری، سیده زهرا؛ یحیی زاده، آیدا؛ عیسی پور، مهدی. (۱۳۹۲). «رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیاد پذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان»، اعتیادپژوهی سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۷۴-۵۹.

خلج آبادی فراهانی، فریده؛ مهریار، امیر هوشنگ. (۱۳۸۹) «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۴۶۸-۴۵۰.

داماس، لین. اس (۱۳۸۵). «با فرزندان خود صحبت کنید پیش از آنکه دیگران با آن‌ها صحبت کنند». ترجمه کامران گنجی و سعادت نقشینیان. تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، شماره ۵۸، صص ۵۶-۴۹.

دل آور، مریم سادات؛ احمدی، حبیب. (۱۳۹۱) «رابطه استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر میزان ارتباط با جنس مخالف»، علوم اجتماعی، سال نهم، شماره ۲۰، صص ۲۴-۱.

سیدان، فریبا؛ نجفی نژاد، نرگس. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف»، علوم اجتماعی (فردوسی مشهد)، سال نهم، شماره ۱۹، صص ۱۱۸-۸۹.

شفیعی اپورواری، نعمیه؛ یاری دهنوی، مراد (۱۳۹۴). «تأملی بر نقش آفرینی وارونه متصدیان تربیت جنسی و ترسیم رسالت مطلوب هر یک از آنها از منظر مشاوران و کارشناسان»، مجموعه مقالات نهمین همایش اشراق اندیشه مطهر با موضوع خانواده و تربیت جنسی، صص ۱۳۸-۱۱۳: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

فلیک، اووه. (۲۰۰۶). **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی (۱۳۹۱)، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

هرنسی تبریزی، شریف حسن. (بی تا) **غورالحکم و دررالکلم**. ج ۱. ترجمه محمد علی انصاری. قم:

دارالکتاب.

Webster, L., Mertova, P. (2007) Using Narrative Inquiry as a Research Method (An introduction to using critical event narrative analysis in research on learning and teaching), New York: Routledge.